ادامه از صفحه اول

پوپولیسم رسانه‌ای و اقتصاد ایرانی پس از توافق

و این مسئله هزینه‌های نظام سیاسی و فرایند توسعه‌ای را افزایش می‌دهد. رسانه‌ها در برخی جوامع به تناسب رشد کمی و کیفی آگاهانه و ناآگاهانه، اجباری و ارادی همواره در خدمت پوپولیسم سیاسی بوده‌اند و چه‌بسا در برخی مقاطع در نقش محرک، مقوم و مشوق پوپولیسم سیاسی نیز ایفای نقش کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بعضا در برخی کشورها، یکی از اولویت‌های نظام سیاسی و دولت مقابله با پوپولیسم رسانه‌ای و مدیریت آن است. اهمیت این مسئله آن‌قدر زیاد است که امروزه یکی از الزامات، مقدمات و شاخص‌های توسعه‌گرایی، درجه و میزان دوربودن رسانه‌ها از فضای پوپولیستی و نقش‌آفرینی مهم آنها در جهت زدودن آثار پوپولیسم از ساختارهای سیاسی و اجتماعی است، ازاین‌رو می‌توان رسانه‌های توسعه‌گرا را در مقابل رسانه‌های توده‌گرا (پوپولیستی) قرار داد. رسانه‌ها به‌عنوان عناصر آگاهی‌بخش جامعه باید پیشران توسعه باشند و موانع و چالش‌های موجود در مسیر توسعه را با کارویژه آگاهی‌بخشی خود رفع کنند نه اینکه خود بر طبل ناآگاهی اجتماعی و سیاسی بکوبند و از این شرایط در جهت اهداف سیاسی حزبی، گروهی و شخصی بهره‌برداری کنند.

۳- پوپولیسم رسانه‌ای در ایران نیز سابقه زیادی دارد و هزینه‌های زیادی را به اقتصاد ملی و فرایند توسعه‌ای کشور تحمیل کرده و چه‌بسا در برخی مقاطع این روند را با سیاسی‌کاری، ایجاد توقعات و انتظارات اجتماعی کاذب و ترسیم غیرواقعی شرایط کشور متوقف کرده است. حداقل در دو دهه گذشته، رسانه‌ها در ایران نه‌تنها در راستای برنامه‌های کلان توسعه‌ای کشور (در جهت عنصر آگاهی‌بخشی اجتماعی) نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای بازی نکرده و در قامت متغیرهای توسعه‌محور و توسعه‌گرا ظاهر نشده‌اند، چه‌بسا در این فرایند نیز نقشی تخریبی و متوقف‌کننده نیز داشته‌اند. این سخن به‌معنای نادیده انگاشتن حقوق اجتماعی شهروندان و نقش‌آفرینی صرف در قالب حرکت توسعه‌ای کشور نیست.

رسانه‌ها با توجه به رسالت ذاتی خود، زبان گویای نظام اجتماعی نیز هستند و باید منعکس‌کننده و پیگیر مطالبات اجتماعی باشند اما این رسالت با کارکرد توسعه‌ای آنها منافاتی ندارد و چه‌بسا در راستای آن قرار دارد. به‌طور مشخص در موضوع هدفمندی یارانه‌ها، فضای کلی حاکم بر رسانه‌های کشور، نه بر اصلاح طرح و قرارگرفتن آن در مسیر واقعی بلکه دامن‌زدن به جنبه‌های پوپولیستی آن بوده و هست. فضایی که مدتی است رسانه‌های عمومی کشور در مورد حذف یارانه پردرآمدها از یک سو و تخصیص یارانه نقدی بیشتر به گروه‌های کم‌درآمد ایجاد کرده‌اند، از این قاعده مستثنا نیست. به‌طورقطع می‌توان پیش‌بینی کرد در صورت تصمیم دولت به قطع یارانه پردرآمدها و پرداخت یارانه صرفا به دهک‌های پایین، موجی از انتقاد و اعتراض رسانه‌ای و سیاسی با جنبه پوپولیستی پیرامون چرایی قطع یارانه مردم و عدم‌رعایت عدالت در اجرای این تصمیم بلند خواهد شد. جریانی که اخیرا برخی رسانه‌ها به‌ویژه نوشتاری درمورد حمایت یارانه‌ای از شش میلیون نفر آغاز کرده‌اند در چارچوب این تحلیل قرار می‌گیرد. این تحلیل جدای از نگاه غالب پوپولیستی بر طرح هدفمندی یارانه‌هاست که از دولت قبل شروع شده و در دولت کنونی نیز ادامه دارد. در موضوع حذف سهمیه‌بندی و تک‌نرخی‌شدن سوخت که به‌تازگی اجرا شد، جلوه دیگری از پوپولیسم رسانه‌ای به نمایش درآمد. جدای از انتقاد کلی و بجایی که به روند اطلاع‌رسانی تصمیم دولت و حتی مواضع متناقضی که پیش از این مقامات دولتی در این زمینه داشته‌اند، وجود دارد، نگاه غالب رسانه‌ای در قبال اصل موضوع، انتقادی با رنگ‌وبوی پوپولیستی بود.

۴- مانند سایر حوزه‌ها (ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) هنوز فضای رسانه‌ای ایران با فضای توسعه‌ای و توسعه‌گرایی فاصله دارد. آنچه بیش از هرچیز در فضای رسانه‌ای ایران نقش‌آفرین و تعیین‌کننده است همچنان متغیرهای سیاسی و رقابت سیاسی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی است. هنوز مصالح ملی و مصلحت‌های توسعه‌ای جایگاه و اهمیت خود را در فضای رسانه‌ای به‌عنوان حوزه پیشران توسعه‌ای پیدا نکرده‌اند. تا زمانی‌که رسانه‌های اجتماعی در نقش مطالبه‌گری توسعه‌ای ظاهر نشده و به فرهنگ‌سازی توسعه‌ای در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کمک نکنند، نمی‌توان انتظار حرکت توسعه‌ای را در کشور داشت.

این فضای رسانه‌ای، در صورت تغییرنکردن به‌راحتی می‌تواند دستاوردها و فرصت‌های توسعه‌ای ایجادشده در چارچوب توافق هسته‌ای اخیر را از بین برده و دوباره اقتصاد کشور و فرایند توسعه‌ای آن را به سبک و سیاق ناکارآمد گذشته بازگرداند.

عکس: محمد حسن‌زاده

اصلاحات ایستا نیست؛ گام برمی‌دارد

آرام و دست در جیب

آزاده محمدحسین

واژه «اصلاحات» مدت‌زمان قابل‌تأملی است که سیاره‌ای شده در کهکشان واژگان سیاسی و تنیده شده با ادبیات -سیاسی اجتماعی ایران. تورق گاه به گاه صفحات تاریخ سیاسی ایران پس از انقلاب نیز به‌خوبی می‌تواند مؤید این باشد که کلیدواژه «اصلاحات» و «اصلاح‌طلبی» همواره در گفتمان سیاسیون و حتی اجتماعیون، جاری و ساری بوده است؛ زمانی در صدر و روزگاری هم در تهدید و تحدید. اما حتی پیکان‌های بُرنده تحدید نیز نتوانست این واژه دامن‌افراشته را از آسمان سیاست و اجتماع ایران بتراشد. اصلاحات را این‌روزها نه با پیشینه سال‌های آغازین انقلاب، که تنها با دوران پس از دوم خرداد ۷۶ سبک‌سنگین می‌کنند و از همین‌رو در دوره‌های مختلف و در میان نحله‌های فکری مختلف اصلاح‌طلب و اصولگرا، زاویه دید متفاوتی برای ترسیم افق آن وجود داشته است. اینکه اصلاحات چیست، چه ضرورتی دارد و اساسا نقاط ضعف و قوت آن کجاست، بارها و بارها نقل محافل و معابر بوده و همچنان نیز هست. اما به‌تازگی زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد از ایستایی اصلاحات و نه پویایی آن و لزوم تسلیم جریان اصلاح‌طلبی در مقابل «هست»های زمانه؛ دیدگاهی نورسیده که به‌یقین گروه بزرگی از اصلاح‌طلبان اقبالی به آن ندارند.

یکم

اینکه زادگاه جریان اصلاح‌طلبی دوم خرداد ۷۶ بود، نکته‌ای است حک‌شده در اذهان عمومی. اینکه مؤلفه‌های بروز این جریان خواسته‌های مدنی و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود هم موضوعی است به‌نسبت قابل‌اجماع، آن‌چنان‌که عبدالله ناصری از چهره‌های شاخص اصلاحات در گفت‌وگویی به مناسبت هجدهمین سالگرد دوم خرداد به این موضوع اشاره می‌کند: «یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد، طرح بحث جدید توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود...، با توجه به ظهور نسل جدید در جامعه یعنی همان نسلی که در انتخابات ۷۶ به‌عنوان رأی‌اولی‌ها به حساب می‌آمدند، این نیاز را در جامعه احساس کردند و مخاطبان جدید به‌دنبال بحث گسترش جامعه مدنی بودند. در آن‌روزها با توجه به اینکه شاهد آغاز تحولات عصر جدید از نظر تکنولوژی و ارتباطات در جهان و به‌تبع آن در ایران هم بودیم، این بزرگ‌ترین مؤلفه‌ای بود که سرنوشت حوزه اجتماعی را تغییر داد».

درباره روند شکل‌گیری اصلاحات و چرایی آن این گفته‌ها تنها اشاره‌ای بود و بس؛ چه، دراین‌باره در سال‌هایی که اصلاحات پشت سر گذاشت، بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند و شنیده‌ایم. اما اینکه آیا اصلاحات تمام شده یا به مرحله ایستایی رسیده است، بحثی پردامنه است که به‌ظاهر میان سیاسیون اختلاف‌نظرهایی ایجاد کرده است. به اعتقاد بسیاری از چهره‌های سیاسی اساسا اصلاحات روندی نیست که در نقطه‌ای متوقف شود و بماند. هرچند ممکن است در دوره‌هایی حرکت بطئی و آرام داشته باشد، همواره رو به جلو بوده، به افق می‌نگرد، نه آنجایی که هست. موفقیت‌های جریان اصلاح‌طلبی در دوران هشت‌ساله اصلاحات، ازجمله مواردی است که امروز بسیاری از دست‌اندرکاران عرصه سیاسی و تقنینی کشور به آن اذعان داشته و معتقدند دولت اعتدال باید از آنها بهره بگیرد و همین امر از دید صاحبان اندیشه سیاسی دلیلی است بر جاری‌بودن اصلاحات.

دوم

علاوه‌بر طرح و اجرای نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها که دولت اصلاحات با آن بیش از دستاوردهای دیگر شناخته می‌شود، تلاش در مسیر توسعه فرهنگی از راه ایجاد بستر و فضای مناسب برای نشریات و رسانه‌ها و نیز فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی از دیگر نقاط مثبت جریان اصلاحات در هشت سال عمر خود بود. اما تلاش برای رشد و توسعه کشور، چنان نقطه روشنی در کارنامه این دولت است که اصولگرایان نیز به آن اذعان دارند؛ همچنان که احمد بخشایش، نماینده اصولگرای مجلس، در گفت‌وگویی بدان تصریح می‌کند: «تلاش برای رشد و توسعه کشور و افزایش روابط خارجی، ازجمله نقاط مثبت دولت اصلاحات است که طبیعتا بهتر است آقای روحانی از آن بهره گیرد». از دیگر سو در عرصه اقتصاد، تقویت بنیه صندوق ذخیره ارزی، پایین‌بودن نرخ تورم، ثبات نسبی قیمت ارز و... از نقاط موفقیت دولت اصلاحات است که دولت فعلی نیز تلاش دارد در این عرصه نمره قابل قبولی در کارنامه‌اش ثبت کند.

سوم

البته در کنار موفقیت‌های جریان اصلاحی، خواسته‌هایی هم بی‌سرانجام و نافرجام ماند. رخدادهای نامیمونی هم در کنار این نافرجامی‌ها قرار گرفت تا نمره‌های منفی کارنامه اصلاحات را نیز از خاطرها پاک نکند. به‌هرروی این دولت نیز مانند سایر دولت‌ها نقاط منفی قابل تأملی داشت. در کنار دولت، گروه‌ها و احزاب اصلاح‌طلب نیز با عملکردهای تندروانه و گاه بی‌برنامه، عاملی شدند برای هجمه جناح مقابل.

چهارم

دولت اصلاحات هشت سال را پشت سر گذاشت و در این مدت تلاش کرد گفتمان سیاسی و اجتماعی را جلوه‌ای دیگر ببخشد. شاید توجه بیش‌ازاندازه اصلاح‌طلبان به مقوله توسعه فرهنگی و سیاسی سبب شد اندکی از قافله اقتصاد دور بمانند و همین امر فرصتی شد برای طیفی نوظهور با نام آبادگران که یکی بعد از دیگری سنگرهای شورا، ریاست‌جمهوری و مجلس را فتح کند. اما نکته قابل‌تأمل در این میان این است که باوجود زاویه ۱۸۰ درجه‌ای دولت جدید با دولت اصلاحات، رئیس دولتی که نام مهرورزی را یدک می‌کشید گاهی برای عبور از موانعی به شاه کلیدهای اصلاح‌طلبانه متوسل می‌شد. هرچند هیچ‌گاه به‌صراحت به این امر اعتراف نکرد.

پنجم

دولت اعتدال به میدان آمد و فرمان مدیریت اجرائی کشور را به دست گرفت. دولتی با سابقه و عقبه نزدیک به اصولگرایی اما میانه‌رو و معتدل. از انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ دو سال بیشتر نمی‌گذرد؛ بنابراین اتفاقی که سبب شد گروه بزرگی از مردم به دولت اعتدال رأی دهند، هنوز در اذهان عمومی زنده است؛ کنارکشیدن کاندیدای اصلاح‌طلب به‌نفع حسن روحانی و حمایت رئیس دولت اصلاحات و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از او. نتیجه این شد که نزدیک به ۲۰ میلیون رأی به صندوق‌ها ریخته شد و به‌گفته بسیاری کارشناسان درصد بالایی از این آرا از آن هواداران و طرف‌داران اصلاحات بود.

آخر

با توجه به آنچه مرور شد، با یادآوری نقاط مثبت کارنامه اصلاحات و فراموش‌نکردن اشتباه‌های این جریان و مرور روزها و ساعت‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲، دور از ذهن نیست اگر این نتیجه گرفته شود که اصلاحات «پویا»ست نه «ایستا». هرچند گاهی آرام و سربه‌زیر و دست‌درجیب، در جاده پررفت‌وآمد سیاست از کناره می‌گذرد تا گذرگاهی بیابد برای ورود به جاده اصلی.

منهای پایتخت

سفر سفیر اسپانیا به خرم‌آباد

● **تسنیم؛ خرم‌آباد:** حسین سلاحورزی، رئیس اتاق بازرگانی خرم‌آباد گفت: در راستای بررسی و شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف استان لرستان و مذاکره برای افزایش همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی «پدرو وبینا» سفیر اسپانیا ۱۰ مرداد امسال به خرم‌آباد سفر می‌کند. او افزود: برای معرفی هرچه‌بهتر استان به نمایندگان دیگر کشورها در ایران و در راستای توسعه همکاری‌های اقتصادی استان با کشورهای مختلف برای ورود هرچه بیشتر محصولات استان به بازار دیگر کشورها، این‌بار خرم‌آباد میزبان سفیر کشور اسپانیاست. او با اشاره به سفر دو روزه سفیر اسپانیا به لرستان، افزود: سفیر اسپانیا در این سفر با استاندار لرستان، نماینده ولی‌فقیه در استان، رئیس و هیأت‌رئیسه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خرم‌آباد و همچنین رؤسای دانشگاه‌های لرستان دیدار و گفت‌وگو می‌کند.

نماینده ولی‌فقیه در جمهوری آذربایجان:

دشمنان از اجتماع مسلمانان هراس دارند

● **ایرنا؛ آستارا:** حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر اجاق‌نژاد، نماینده ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، گفت: دشمنان اسلام، همواره از اجتماع مسلمانان در صحنه‌هایی نظیر آیین عبادی- سیاسی نماز جمعه هراس دارند. او در همایش نماز جمعه، همدلی و هم‌زبانی در سالن اجتماعات اداره تبلیغات اسلامی آستارا افزود: نماز جمعه از زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) تاکنون برکات زیادی را برای اسلام و مسلمین به همراه داشته است. او بهره‌مندشدن از مسائل سیاسی، اجتماعی و آگاهی‌بخشی به مردم را از جمله شاخصه‌های برجسته نماز جمعه برشمرد و افزود: از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، همبستگی بین صفوف مسلمین رعب و وحشت را در دل دشمنان انداخت.

قدردانی نماینده ولی فقیه و استاندار از مردم کردستان

ایرنا؛ سنندج: حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد حسینی‌شاهرودی، نماینده ولی‌فقیه در کردستان و عبدالمحمد زاهدی، استاندار کردستان با صدور پیامی مشترک از حضور پرشور مردم استان در آیین استقبال از رئیس‌جمهوری، تشکر و قدردانی کردند.

در قسمتی از این پیام آمده: بر خود واجب دانستیم از حضور پرشور و شعور اقشار مختلف مردم استان کردستان و به‌خصوص شهر سنندج به‌ویژه خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران، علمای اعلام و روحانیان معزز، گروه‌های مختلف سیاسی، دانشگاهیان فرهیخته، نیروهای نظامی و انتظامی، کسبه و اصناف، اصحاب رسانه و... که جلوه‌هایی ناب و حقیقی از تحقق شعار «دولت و ملت؛ همدلی و هم‌زبانی» را به نمایش گذاشت، صمیمانه تقدیر و تشکر کنیم.

ادامه از صفحه اول

نفع روان‌شناسی از مذاکرات هسته‌ای

اما جنگ جهانی دوم که تمام شد، برخی از روان‌شناسان سعی کردند نگاهی مهربانانه‌تر به انسان داشته باشند، ولی مدارک ضد این دیدگاه انسانی و مهربانانه و خردمندانه تمامی نداشت. جنگ‌های جهانی تمام شد؛ اما خشونت‌ها تمام نشدند. دولتمردان کشورهای غربی مجبور شدند برای مهار خشونتی که دیگر فقط بین دولت‌ها متخاصم نبود و افراد یک جامعه را نیز دربر می‌گرفت قوانینی سخت‌گیرانه وضع کنند. البته خشونت بین افراد جامعه قبل‌تر نیز با شدتی حتی بیشتر وجود داشت، اما جنگ‌های بین‌المللی نمی‌گذاشتند که به درد اول یک دولت تبدیل شوند. به‌تدریج مدارس مکلف شدند مهارت‌های اجتماعی را به دانش‌آموزان بیاموزند و راه و رسم مذاکره‌کردن را در خلال این مهارت‌ها آموزش دهند. رسانه‌ها نیز به این موج پیوستند و گفت‌وگو را به عنوان یک اصل مقدس ترویج کردند. اما این راه کُند و پر از فرازونشیب بود. مسئله هسته‌ای ایران که از راه رسید و دغدغه جمعی از دولت‌ها شد، مذاکره به‌عنوان راهی دیده شد که می‌توانست به این مسئله ساختگی خاتمه دهد، اما پیش از آن بشر به مذاکره نیز به دیده تردید می‌نگریست؛ چراکه هم تجربه دولت‌های متخاصم و هم تجربه افراد جوامع مختلف از مذاکره این بود که در مذاکره یا باید باخت یا برد. هرچه روان‌شناسان اصرار داشتند در قالب بحث‌های مهارت‌های اجتماعی بگویند مذاکره در اصل، یک فرایند برد- برد است کسی در عمل به آن باور نداشت. با ظهور دولت جدید، اندیشه‌ای در هر دو سوی مذاکره ریشه دواند که می‌توان بدون محکوم‌کردن مطلق و با درک طرف مقابل و انتظارات او به راهی بینابینی رسید. این راه البته بدون سختی نبود و در این راه بسیاری از اوقات، طرف‌های مذاکره میز مذاکره را ترک کردند و خشم جایگزین گفت‌وگو شد، اما همان‌طور که نماینده آلمان در این مذاکرات گفت: «ما در این مذاکرات به نقطه جوش رسیدیم، اما مذاکره را رها نکردیم». گویی نمایندگان هفت کشور می‌خواستند به جهان بگویند باور کنید حرف روان‌شناسان درست است و مذاکره راهی است که می‌توان با آن به اهداف مشترکی حتی با طرف دشمن رسید. ۲۳ تیر روز خوش‌یمنی برای روان‌شناسان بود آنها که دل در گروی آموختن مهارت‌های اجتماعی، اعم از مذاکره با افراد جوامع انسانی داشتند، چه چیزی برایشان بهتر از توافق هسته‌ای بین دولت‌های متخاصم، آمریکا و ایران بود که نشان دهد امروز مذاکره چه اکسیر التیام‌بخشی است برای دردهای بشر پرخاشگر.
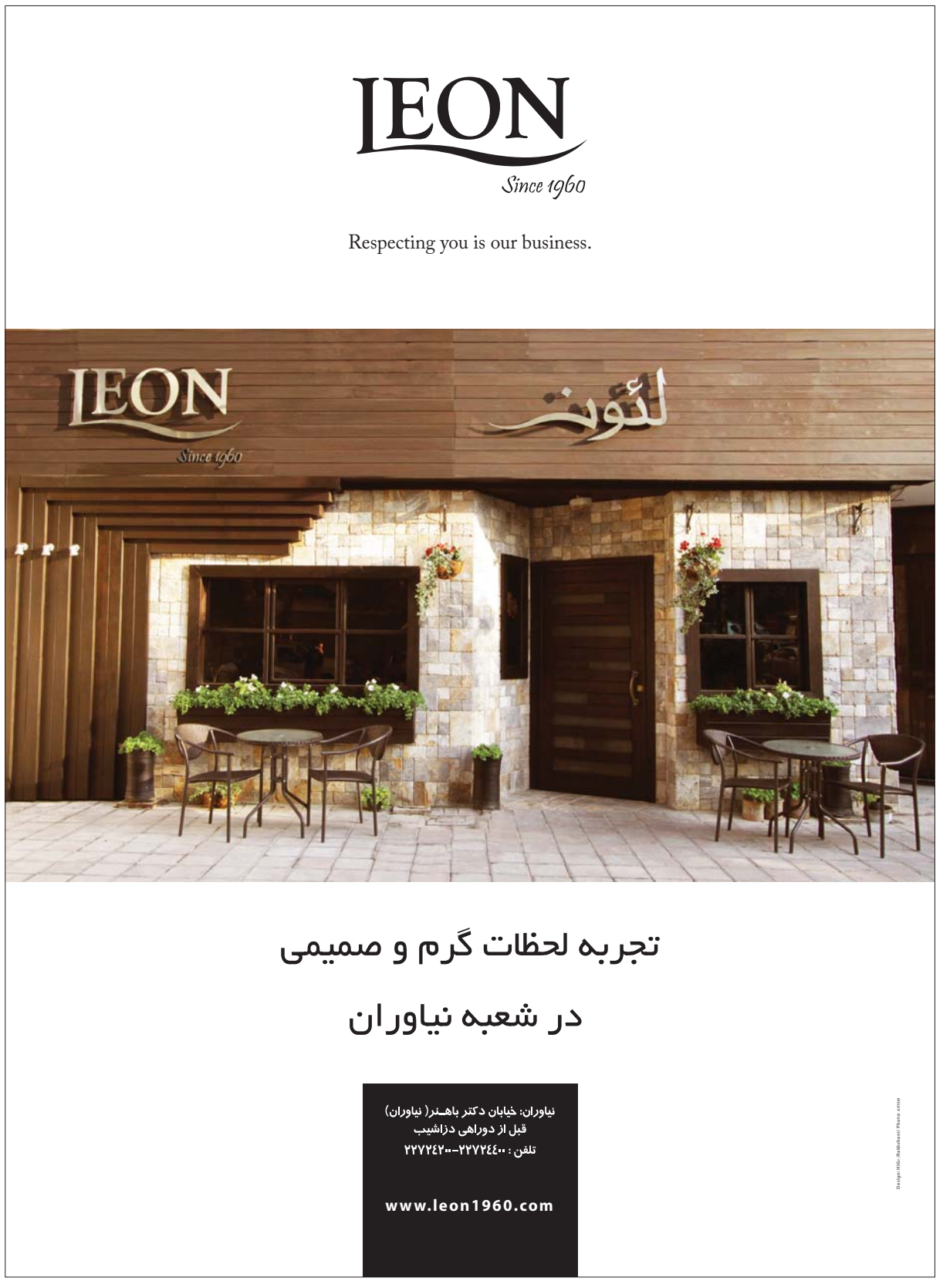
آنچه امروز در مجالس کشورهای آمریکا و برخی دیگر می‌گذرد، تلاشی است برای ناکام جلوه‌دادن این اکسیر شفابخش، اما آنان که امروز در مقابل مذاکره‌کنندگان می‌ایستند و تلاش‌های آنان را نادیده می‌گیرند و آنها را ناموفق جلوه می‌دهند، نمی‌دانند اگر این مذاکرات شکست بخورد، افراد هر جامعه‌ای در مقابل نسخه روان‌شناسان برای انجام مذاکره برای دستیابی به حق و حقوق و خواسته خود خواهند گفت مگر دو سال مذاکره معتقدان به مذاکره با هفت کشور برجسته جهان که برخی از آنها نیز سابقه تمدنی بسیار درازی دارند، به نتیجه رسید که ما بخواهیم برای رفع کدورت‌های خود و برای دستیابی به حق خود از این امر استفاده کنیم؟ گفت‌وگو، امروز بیش از هر زمان دیگری، نیاز بشری است و هر دولت، جامعه یا فردی که بخواهد این راه را ناکام بگذارد، به ابنا بشر خیانت کرده است و به گفته مرحوم فریدون مشیری او را به جنگل و غار و کوه خواهد فرستاد.